

جوانان حکمتیست ۸۸

۱۳۸۵ اردیبهشت ۰۹ - ۱۹

سه شنبه ها منتشر می شود!

foadsjk@gmail.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

در جزیره المجانین!!

علی راستین

اوضاع سیاسی کنونی،
موقعیت رفراوندوم!

جنبش دانشجویی در ایران، در حال حاضر گرایشی دارد که خود را متعلق به ناسیونالیسم پرو غرب می داند. البته ماتریال اصلی این جنبش، شخصیت ها و گروه های آن تماما آتانی هستند که با روی کار آمدن خاتمی از آن حمایت می کردند و با افول جنبش دوم خرداد به کیش ناسیونالیسم پرو غرب گرویده اند. در حال حاضر ناسیونالیسم پرو غرب در جنبش دانشجویی قابلیت انطباق سیاسی با احزاب اصلی این جنبش را ندارد. برای مثال آقای کیانوش سنجرى و گروه طبرزدی از چهره های اصلی دانشجویی این جنبش است. ایشان جدیداً در مقاله ای بنام «رفراوندوم خواهی» نظریات خود را بیان کرده اند، که لازم می دانیم که حتماً اینجا در موردش صحبت کنیم. اول اینکه مخاطب ما به وضوح تمام ببیند که واقعا ناسیونالیسم پرو غرب ایران و مشتاقان اصیل «دموکراسی» چه در چنته دارد و در درجه دوم میزان پرت بودن این ها از واقعیتی که در جامعه بر قرار است را بسنجد.

در جزیره المجانین!! آن بخش از اپوزوسیون ایران که می خواهد در این جامعه سرمایه داری را بر مبنای امیال طبقاتی خودش بر پا کند، اهرم ها و مکانیسم های خود را برای تغییر رژیم در ایران دارد. شایان ذکر است که بورژوازی ایران، حاکمیت اسلامی را تماماً در تناقض کامل با سرمایه داری ای که خود خواهان بر پای آن است می بیند. سرمایه داری اپوزوسیون ایران با تمامی جناح های آریایی پرست،

← ۳

نگذارید شما را برای عبرت سایرین به دار بیاویزند!



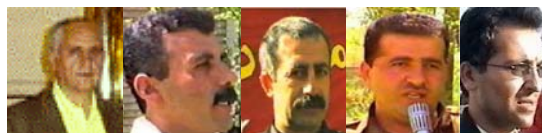
فواد عبداللهی

فصل معضل رقابت و پیشی گرفتن فضای حمله نظامی آمریکا به ایران شدت بیشتری بخود گرفته است. قرار است مردم بیگناه جامعه ایران اینبار قربانی افول موقعیت اقتصادی آمریکا در برابر غولهای جدید اقتصادی همچون اروپای متحد، چین و روسیه شود. صورت مسئله، بحران کمبود سرمایه در برابر این کشورها است که دیگر راه حلی بجز حمله نظامی آمریکا برای تثبیت موقعیتش بعنوان تنها ابر قدرت دنیا باقی نگذاشته است. آنچه سرمایه داری آمریکا را محتاج به بحران جنگ کرده است، نه دستیابی رژیم اسلامی به انرژی هسته ای که حل و

دادن پست ژاندارم خودگمارده است. میلیتاریزم را از سیاست هیئت حاکمه آمریکا حذف کنید تا شاهد خروج ابر قدرت دنیا از درب جهان تک قطبی شوید. در نتیجه نظامی گری یک بعد بسیار مهم در

صورت مسئله

دستگیر شدگان اول مه سقز تبرئه شدند



دستگیر شدگان اول مه سقز در دادگاه تجدید نظر استان تبرئه شدند.

برای تحقق این امر تلاش کردند تبریک

همچنانکه اطلاع دارید از اول مه ۱۳۸۳ پرونده ۷ نفر از کارگران و شرکت کنندگان مراسم اول مه، در جریان است. شعبه ۲ دادگاه سقز بعد از کشمکش طولانی و احضاریه فرستادنها و محاکمات بی دریغی و تهدید های مکرر، سرانجام احکام زندان و تبعید برای ۵ نفر از آنان را صادر کرد.

این ۵ نفر عبارتند از جلال حسینی، برهان دیوارگر، محمود صالحی، محسن حکیمی و محمد عبدی پور. خارج از هر توضیحی که مراجع دولتی ایران و مراکز جاسوسی و دادگاههای اسلامی آنها خواهند داد، این یک پیروزی بزرگ برای همگی ما مردم و کارگران و کل اتحادیه های کارگری و تمام کسانی است که در این چند سال برای آزادی این کارگران و برای لغو کلیه اتهامات وارده اعتراض و تلاش کردیم. جا دارد این پیروزی را به خود این دوستان و خانواده هایشان، به کارگران و مردم مبارز سقز و به تمام اتحادیه های کارگری و کل جریانات و مردمی که

از اول مه ۱۳۸۳ تا کنون کمپینهای مختلف برای شکست جمهوری اسلامی در نبردی که شروع شده بود در جریان بود. صدها اتحادیه و نهاد و احزاب و جریانات مختلف و میلیونها انسان در سراسر جهان از ماجرای کارگران سقز مطلع و علیه قلدری و قمه کشی دادگاه و مراکز جاسوسی حکومت ایران و سیاست ضد کارگری و تلاشهای ارتجاعی رژیم ایستادند. یک همبستگی جهانی از ایران تا عراق و از آمریکا و اروپا تا آسیا و آفریقا در جریان بود.

خودکشی راهش نیست!



جمال کامانگر

اعتراضات دانشجویی در روزها و هفته های اخیر به مناسبتهای مختلف در تعدادی از دانشگاههای کشور در جریان بوده است. اوج این اعتراضات در دانشگاه رجایی و تحصن چند روزه دانشجویان این دانشگاه بود. دانشجویان در کنار مطرح کردن خواسته های صنفی که تماماً جزو بدیهی ترین خواسته های دانشجویان است در همان حال هم از کنار مسائل سیاسی حاد جامعه نگذشته اند. برای نمونه به بیانیه دانشجویان در مورد بحران هسته ای اگر توجه کنید تا آنجای که امکان داشتند به وضوح با طرح این مسئله که نباید در کنار هیچ کدام از طرفهای درگیر در این ماجرا قرار گرفت و باید صف مستقل و جبهه دفاع از آزادی و برابری و انسانیت را سازمان داد به درستی در بیانیه آمده بود که منفعت توده های مردم در این شاخ به شاخ شدن دو طرف ۴

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

در محلات و کارخانه ها و مدارس و از بنیادهای زندگی مدنی انسانها در دانشگاه ها بسیج شوند. عوامل رژیم را شناسایی و تنبیه کنند. جامعه باید متحد و متشکل و آگاه شود، سوسیالیست ها باید پیش قدم شوند، محلات باید کنترل و مردم قدرتمند و مسلح شوند، نیروی مسلح و "گارد آزادی" را باید تشکیل داد. این کارها را باید قبل از رخ دادن جنگ تمام کرد. سربازخانه ها و سربازان را باید آماده حمله به رژیم کرد. در صورت اشغال هر منطقه ای زیر نفوذ آمریکا و گانگسترهای قومی و فاشیستی باید نیرویی داشت که مردم آن منطقه را آزاد کرد. ناسیونالیسم کرد و فارس و عرب و ترک و اسلام سیاسی را باید شدیداً نقد و افشاء کرد و با آنها به مقابله برخاست. این نیرو تنها نیروی انقلابی مردم است. نیروی مسلحی که

عملی اش در این منطقه ها و از طرف دیگر، برخورداری اسرائیل از تجهیزات اتمی نقطه عطفی برای اسلام سیاسی و نوعی از مقاومت و تعرض ارتجاعی و بدل زدن به آمریکا در منطقه است. این آن تصویری است که رژیم اسلامی با مجهز شدنش به سلاح هسته ای می تواند برای بقاء خود سر آن حساب باز کند.

رژیم اسلامی با سیاست خیلی روشن در عراق دارد سایه خود را می گستراند. هر تجمع و شورا و تشکیلی را توسط انتحاریونش به کام آتش و انفجار می کشد. آدم ها را به راحتی جلو دوربینهای میدیای جهانی سر می برد، جنوب را تحت تسلط تام و تمام خود دارد. آمریکا را کلافه کرده است. دارد با زبان روشن به دنیا می گوید که این تازه تمام ظرفیتش نیست. اگر این پتانسیل ارتجاعی را در حمله نظامی آمریکا به ایران ضرب کنید، جنایاتش ابعاد بشدت وحشیانه تر و به مراتب وحشتناکتر از سالهای ۶۰ که در جنگ با عراق بود به خود خواهد گرفت.

در برابر جنبش سرنگونی مردم اما رژیم اسلامی با استفاده از فضای جنگی و سر دادن ارتجاعی ترین شعارها از جمله "دفاع از میهن اسلامی" و "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" و ... سعی در تهدید کردن و به عقب رانده شدن مبارزات مردم را دارد. هر تحرکی را به بهانه همسویی با "بیگانه" سرکوب خواهد کرد. از همین الان دارند مردم را مستاصل و راه را برای گسترش سناریوی سیاه آماده می کنند. برای خلاصی از این وضعیت و کابوس حمله آمریکا کم دردمترین راه سرنگونی سریع جمهوری اسلامی توسط قیام مردم است.

رقابت سرمایه داری آمریکا با اروپا است و مردم عراق همین الانش دارند برای عبرت چین و اروپا تاوان این سیاست را می دهند. از قرار معلوم فردا مردم ایران قربانی این نظم نوین اند. بهانه این حمله هم "دسترسی رژیم اسلامی به سلاح هسته ای" است. ایران گزینه خوبی است نه بدین خاطر که اسلام سیاسی موجودیت خود را در تقابل با آمریکا تعریف کرده است و باید از سر راه کنار رود، نه بدین خاطر که دولت مورد علاقه بورژوازی در ایران نیست (که نبوده است)، نه بدین خاطر که در مقابل عروج یک دولت چپگرا در انقلاب ۵۷ کمکاری کرد (که بیشترین نیروی ارتجاع را بکار برد)، بلکه دقیقاً بدین خاطر که حیات و ممانت سیاسی هر حاکمیتی (چه ارتجاعی و چه دموکراتیک) در دنیای امروز بستگی به دوری و نزدیکی رابطه اش با آمریکا دارد که رژیم اسلامی از قاعده دوری از آمریکا مستثنی نیست و هر درجه مقاومت و دخالتش در منطقه، منفعت آمریکا را به مخاطره می اندازد. مسئله این است که رژیم اسلامی در هر حالت آن حکومت سر به زبری نیست که مطیع آمریکا باشد. منافع آمریکا می تواند با دستیابی "دشمن" به سلاح هسته ای بخطر افتد که در این حالت ایجاب می کند که متوسل به نیروی نظامی شود. این فرمول کلی سیاست آمریکا بعد از جنگ سرد است.

در بزرگداشت دستاوردهای یک زندگی پویا

منصور حکمت

منتخب آثار

ضمیمه ۱

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hokmatista

منصور حکمت در دوره کوتاه زندگی سیاسیاش فلب آزادی خواهی و رادیکالیسم کمونیستی در فضای سیاسی ایران بود. در اواخر دهه های او به تئوری مارکسیسم عمیق انقلابی و انسانی و کاربست زنده این ایده اساسی لفظ مارکس بود که آینده صلح و توسعه نسلهاست که انسانهای زنده امروز میبایست با چشم باز آرا بخوانند، اراده انسان تاریخ را میسازد. مارکسیسم در سطح جهان بزرگترین متفکر خود را از دست داد.

قلب منصور حکمت (زویین) از حرکت ایستاد اما منصور حکمت نمرده است. منصور حکمت با افکارش و با آرمانش همچنان چهره نامک جنبش سوسیالیستی و مارکسیستی باقی خواهد ماند.

کارگران توده متحد شوید!

۱۳۸۵ اردیبهشت
۲۰۰۶ آذر

حکمت

منصور حکمت

نثره ای توریک - سیاسی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کوشش مبرسی: تهران هسته ای یا تهران به بهانه هسته ای، حسین برادری: در دوره حمله نظامی آمریکا، محمود قزوینی: در ناره یک درس با اهمیت از تجربه قیام ها، کوشش مبرسی: انقلاب ایران و وظائف کمونیست ها، اندک که گویند: نظم نوین بر ماه و نظم نوین جهانی، رحمان حسین زاده: جمع بندی فشرده از تجربه حزب کمونیست کارگری ایران، اندک که گویند: بیانیه حقوق بشر و مالکیت، قوهت و مذهب، کوشش مبرسی: کمونیسم، منشوسیم و بقونوسیم: بررسی تحلیلی انقلاب روسیه - بخش اول: ارجح فراد، در میدان ناسیونالیسم با حفظ موضع: ۲: دکترینی بوق آسای حزب کمونیست کارگری، مجید حبیبی: پیش بسوی انقلاب دوم ایدئولوژیک، پیرامون بلوم ۲۴ حکمت، کوشش مبرسی: کمینه های کمونیستی، محمود قزوینی: یوولوسیم حزب کمونیست کارگری دنبال فوکرانی در رویداد خونخواران، اندک که گویند: اسلام و اسلام سیاسی در غرب و در خاورمیانه، کوشش مبرسی: رحمان حسین زاده: حزب کمونیست کارگری عراق، مملایا و چشم ناگارا

منصور حکمت
مبانی کمونیسم کارگری، سمیار در سال ۲۰۰۰
روندگان و راه کارگر: جدال بر سر تحقق سوسیالیسم خلقی

در بزرگداشت یک زندگی پویا، ضمیمه منتخب آثار منصور حکمت، در ۶۰۰ صفحه منتشر شد.

شماره ۳ مجله تنوریک - سیاسی "حکمت" در ۲۸۰ صفحه منتشر شد.

این کتابها را از طریق واحد های حزب و یا مستقیماً از طریق دبیرخانه حزب خریداری کنید

dabirxaneh@gmail.com

رژیم اسلامی و تقلاي ماندن دست یابی رژیم اسلامی به انرژی هسته ای در این دوران که بشدت پایگاه توده ای خود را نسبت به اوایل حاکمیتش در ایران از دست داده به معنای شکست سیاست "ضربه پیشگیرانه" سیاست خارجی آمریکا و حربه ای است برای بقا در برابر جنگ و در برابر جنبش سرنگونی مردم. رژیم اسلامی از یک طرف از پس اشغال عراق و فلسطین و دخالتگری

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

ناسیونالیست، لیبرال-دموکرات و حتی خلقی اش یک افق مشترک را دنبال می کند که تحقق آن در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران میسر نیست. این ها می خواهند در واقع با توجه به سطح نازل تکنولوژی و پایین بودن نرخ سود، ایران را به قتلگاه طبقه کارگر، چیزی شاید به مراتب وخیم تر از آنچه که امروز شاهد آن هستیم، بدل کنند. و این بر بستر نیروی کار ارزانی که فی الحال در جامعه ایران موجود است، و باز کردن دست غرب به این محدوده و در نهایت روی ریل انداختن اقتصاد ایران بر مبنای سیاست های نظم نوینی (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و...) با توجه به آنچه که نتولیرالیسم لجام گسیخته جهانی خواهان برپایی آن است، میسر است. این خط با کمی سایه روشن، با کمی افراط و تفریط فصل مشترک کلیت بورژوازی ایران است که از فرط به قول خودش بسته بودن اقتصاد ایران به "ستوه" آمده است.

اپوزوسیون راست، برای سرنگونی رژیم مکانیسم های خود را دارد. همانطور که ما کمونیست ها مکانیسم خود را داریم. مکانیسمی ما، ساز و کاری است که بتواند بیشترین حد دخالت و ابراز وجود مردم سرنگونی طلب را فراهم کند و آنها را به وسط صحنه تصمیم گیری بکشاند. مکانیسم ما قیام و انقلاب، و سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی قهر انقلابی است. اما مکانیسمی که اپوزوسیون بورژوایی ایران برای تغییر حاکمیت پیشنهاد می کند، باید متضمن منافع طبقاتی آن و حفظ شالوده های نظام موجود باشد. با این اوصاف فقدان واژه گانی چون قیام و انقلاب در ادبیات این ها را نباید "سهوی" دانست، بلکه اساسا باید در بطن خاصیت طبقاتی شان دید. این ها با توجه به موقعیتی که هر لحظه در بطن کشمکش طبقاتی ای که پیدا می کنند، مکانیسم خاص خود را ارائه می دهند. با پایان دوره دوم خرداد، و علی

الاصول اتمام توهم بورژوازی ایران که جمهوری اسلامی نمی تواند یک دگردیسی برای آنچه که اینها می خواهند را داشته باشد، ترم "رفراندوم خواهی" در بین اپوزوسیون راست شکل گرفت. این رفراندوم خواهی البته جناح های متنوع خود را داشت و از سلطنت طلبان لس آنجلس نشین تا "برادران" اکثریتی و دفتر تحکیم وحدتی را به هم وصل می کرد.

چنین موضعی بر خاسته از موقعیت ویژه ای بود که جنبش سرنگونی با جمهوری اسلامی در آن زمان داشت. رفراندوم راه "کم درد سر" اپوزوسیون راست برای تغییر حاکمیت و به حداقل رساندن اعمال قدرت و نفوذ مردم بود. البته نباید فراموش کرد که خود چنین طرحی بیش از یک توهم نبود و کودکانه است اگر بپنداریم، روزی جنایتکاران جمهوری اسلامی در تلویزیون حاضر می شدند و از مردم می خواستند که بیایند و به مشروعیتشان رای دهند. اما به هر رو، در آن موقع رفراندوم بیش از یک شعار بود. رفراندوم توانسته بود بخشی از جنبش دانشجویی و زنان را زیر پرچم بیاورد. می خواهیم این را بیان کنیم که در سه-چهار سال گذشته این شعار، دارای یک نیرو و ریشه مادی در جامعه بود. و بیان این شعار تعجب کسی را بر نمی انگیخت. اما در موقعیت کنونی، در موقعیتی که کشمکش جمهوری اسلامی و غرب به بهانه بحران هسته ای به اوج خود می رسد. و تیک تاک آغاز انفجار جنگ خانمانسوز دیگری در جهان به صدا در آمده است. در زمانی که ماجراجویی بوش پسر در برابر جمهوری اسلامی جهان را به صحنه چندش آور بازی با جان و زندگی هفتاد میلیون نفر انسان بی گناه تبدیل کرده است که خودشان هم نمی دانند برای چه باید کشته شوند؛ "ناگهان" تغییر موضع ها آغاز می شود. همان نیروهای "وطن دوست"، "دموکرات"، "باورمندان به حقوق بشر"، "کوشندگان دموکراسی" و همه آنها

که اگر خدای ناکرده جایی خون از دماغ کسی پایین می آید چهل روز عزای عمومی اعلام می کردند و در مسابقه فحش دادن به ما کمونیست ها مدال به سینه می زدند و به ما "خشونت طلب" و "توتالیتر" می گفتند، از تغییر رژیم توسط امریکا حرف می زدند. ظاهرا فلاکت مردم عراق و به نان و نوا رسیدن برادران تنی شان خوب به مزاجشان ساخته است! اما اپوزوسیون راست به اشکال مختلفی این تمایل را ابراز می کند. جناح اولترا راست قوم پرست آن که رسماً "غریزه سیاسی" اش فرمان شلیک موشک ها به سمت ایران را داده است. و جناح های دیگر آن، از رضا پهلوی تا ناسیونالیست های چپ بیان محترمانه تری را برای این بستر سیاسی خود یافته اند. "فشار سیاسی"، "تحریم اقتصادی"، "مطرود ساختن جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی"، "حمایت از جنبش های دموکراسی خواهانه در ایران" و... همه و همه، اسم رمز هایی است که دیگر بخش های اپوزوسیون راست در کنار حمله نظامی به کار می برند. با نگاه به اوضاع عراق، دیگر حمله نظامی توسط ارتش "رهایی بخش" امریکا زیادی توی ذوق بیننده می زند و به سبک و سیاق این دوستان باید ادبیان "محتاطانه تری" را پیش گرفت. اما فصل مشترک تمامی این ها انتظار برای دخالت امریکا (به هر شکلی) است. اپوزوسیون راست قطب نمایش را گم نکرده است و اتفاقاً در سر جایش ایستاده است.

حال با این وضعیت، نگاه به مقاله کیانوش سنجری علاوه بر انبساط خاطر می تواند نکات خوبی را از این جریان و به بیان بهتر، بازوی دانشجویی اپوزوسیون راست به دست مخاطب بدهد. در موقعیتی که اپوزوسیون راست تمامی مواضع، و رفتار و منش خود را بر مبنای پذیرفتن صورت مساله حمله امریکا شکل داده است. و سعی می کند از این دریچه و

بر این مبنا به ابراز وجود سیاسی بپردازد. اپوزوسیون راست پس از شکست پروژه رفراندوم تماماً مکانیسم نزدیک شدن خود به قدرت را به دخالت غرب به هر شکلی محدود کرده است. رفراندوم برای خود راست جامعه هم شعاری شکست خورده و رنگ باخته است. اوضاع جدید کلیت اپوزوسیون راست را روی ریل جدیدی انداخته است. و در این میان، جناب سنجری و کل دار و دسته طبرزدی مانند اصحاب کهنه از غار بیرون آمده اند و صحبت از رفراندوم دارند. از خود این دوستان باید پرسید که در اوضاع پر مخاطره امروز واقعا رفراندوم چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟ آیا خودشان هم به پیروزی یا گرفتن چنین پروژه ای اعتقاد دارند؟ روشن است که پاسخ منفی است. گروه طبرزدی و آقای کیانوش سنجری عاقبت به "سرمنشا حیات" خود وصل خواهند شد و خواهان دخالت غرب در این مخمصه خواهند شد. با توجه به اوضاع پر مخاطره و پر تلاطم ایران این اعلام موضع به آینده ای طولانی موکول نخواهد شد. جناب طبرزدی و شرکا به احتمال قوی از میان گزینه های موجود دخالت امریکا در ایران گزینه "حمایت از جنبش های دموکراسی خواهانه در ایران" را انتخاب خواهند کرد و کنار افرادی چون علی افشاری و عطری خواهند ایستاد. به هر رو توفانی شدن هوا باعث می شوند که آدم ها با سرعت بیشتری به سمت سرپناه اصلی خودشان بدونند. صحبت از رفراندوم و این گونه "ساز و کار های مدنی" در فضای جنگی ای که امروز توسط دو طرف امریکا و جمهوری اسلامی باد زده می شود، تنها نمایانگر خواب آلودگی سرایندگان آن است. جدا دوست داریم نظر جناب سنجری را در مورد احتمال حمله نظامی امریکا به ایران و مناقشه هسته ای آن بدانیم. شاید پاسخ دادن ایشان به این سوال، جای پای ایشان را بهتر نشان دهد!

بچه های محل متشکل شوید، با ما تماس بگیرید و به گارد آزادی بپیوندید!

این پیشروی میتواند ادامه پیدا کند. اسانلو باید آزاد شود!

در روز اول مه امسال جمهوری اسلامی بار دیگر جمعی از رهبران و فعالین کارگری شرکت واحد را دستگیر کرد و سپس به دنبال اعتراضات متعدد مجبور به آزادی آنها شد. همچنین حکم زندان و تبعید ۵ تن از دستگیر شدگان اول مه ۱۳۸۳ شهر سقز لغو شد. این پیروزی هم به دنبال ۳ سال کشمکش و مبارزه و کمپینهای متعدد در سطح داخل و خارج و اعمال فشار همه جانبه صف آزادیخواهی به نتیجه رسید. این اخبار مایه شادی و مسرت همه ما، مردم و کارگران و هر انسان آزادیخواهی است.

رژیم جنایتکار اسلامی در مقابل قدرت اعتراضی و استقامت و همبستگی داخلی و جهانی ما یک قدم ناچار به عقب نشینی شد. ناچار شد که فعالین اول مه امسال در تهران را آزاد کند. ناچار شد که احکام ضد انسانی تبعید و زندان فعالین کارگری سقز را ملغی کند. این اتفاقات مستقل از هر داعیه رژیم، پیشروی جبهه ما، جبهه کارگران و آزادیخواهی در مقابل ارتجاع اسلامی است. این پیشروی حاصل یک دوره نسبتاً طولانی اعتراض متحدانه و مجموعه ای از کمپین های بین المللی است. بدون تلاش جمع وسیعی از سازمانهای کارگری، افراد و شخصیتها، اتحادیه های کارگری و مدافعین حقوق انسان در سراسر جهان این موفقیتها میسر نمیشد. این قدرت نمایی جهانی طبقه ما، گوشه بسیار کوچکی از قدرت طبقه کارگر است.

اما نباید فراموش کرد منصور اسانلو رهبر کارگران شرکت واحد هنوز در زندان است. هنوز زندانها و سیاه

البته شاید در کوتاه مدت بتوان چند نفر و یا حتی بیشتر را، از درس خواندن محروم کرد اما این زمانی برای رژیم نتیجه می دهد که دانشجویان در مقابل این تحرکات رژیم انسجام خود را از دست بدهند و به اصطلاح "محافظه کارتر" شوند.

بنظر میرسد رژیم در این شرایط شکننده ای که در آن قرار دارد این بهترین حربه ای است که علیه دانشجویان مبارز به کار میرد. مهم برای رژیم پراکنده کردن دانشجویان و پاسیف کردنشان به بهانه اینکه "کار شما درس خواندن است"، میباشد. اما اگر دانشجویان انفرادی به مقابله با این ترفند رژیم روبرو شوند نتیجه مثبتی به بار نخواهد آورد. نمونه اخیر خودکشی "مصطفی نویدی" است، که خوشبختانه از مرگ نجات پیدا کرده است.

رهبران دانشجویی و کسانی که دست اندر کار سازماندهی دانشجویان هستند هوشیارباشند که با توجه به "بحران هسته ای" و فقر و فلاکتی که بر جامعه حاکم است نباید اجازه داد

دانشجویانی که چنین احکامی دریافت می کنند به تنهایی با آن مقابله کنند. نه خودکشی و نه هر نوع آسیب رساندن به جان خود نتیجه مثبتی در بر نخواهد داشت. قدرت ما در اتحاد و تشکل و با هم بودن است. بنا براین باید متشکل و سازمان یافته به مقابله با احکام کمپنه های به اصطلاح "انضباطی" ایستاد.

ضروری است که بزرگترین اعتراضات را در سطح دانشگاههای کشور سازمان داد. باید به رژیم حالی کرد که نمی تواند به آسانی دانشجویی را به دلیل معترض بودن و مخالفت با نظام اسلامی و خواسته های دیگری که دارند از کلاس درس محروم کند.

این کثیف ترین حربه ای است که رژیم برای در هم کوبیدن روحیه دانشجویان به کار میرد.

زنده باد همبستگی و اتحاد طبقه کارگر
مرگ بر جمهوری اسلامی ایران
حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست
۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ - ۸ مه ۲۰۰۶



تماس با ما
 دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۶۷۶۵۶۱۹
 سردبیر: فواد عبدللهی
foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲
 معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۴۸۲۴۵۴۲
 بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!